

اعلامیه مطبوعاتی

دولت مالیاتی در سودان مشکل بیکاری را حل نه؛ بلکه خود سبب مشکل است!



(ترجمه)

سرمنشی دبیرخانه کارگران بیرونی اهل سودان آقای کرار التوحامی گفت: «لزوماً دولت در استخدام فارغ التحصیلان مسوولیتی ندارد.» وی افزود: «دولت سازمان خیریه نیست و گراف بیکاری هم به حد بحرانی نیست.» (منبع: شماره ۲۱۸۷ از روزنامه الجزیره، ۲۳ جولای ۲۰۱۷م)

میزان بیکاری در سودان در میان جوانان ۳۴ درصد و در میان فارغ التحصیلان به ۴۸ درصد رسیده است. این ارقام مسلماً وحشتناک بوده و تأثیر مستقیم روی مهاجرت ها و فرار مغزها دارد. به عوض روی دست گرفتن بعضی راهکارها، این مقام آمده و نظر دولت را در مورد اتباعش بیان می کند؛ چراکه اتباعش را به قسمی که الله سبحانه و تعالی امر کرده و به اموری که الله سبحانه و تعالی آن ها را در روز آخرت مسوول خواهد شناخت، غم خواری نمی کند.

دولت در اسلام دولت خدمت است، نه دولت وضع مالیات. مفهوم خدمت این است که دولت از زیردستانش قسمی مواظبت کند، مثلی که پدر از اولادهایش مواظبت می کند؛ گرسنه گان را غذا می دهد، برهنه گان را می پوشاند و جایی که بخواد آن ها را مسکن گزین می کند. دولت در اسلام برای همه زمینه تعلیم را مهیا می کند، مریضان شان را درمان کرده و از هر ترس حفظ شان می کند. خدمت در اسلام به قسمی که ذکر شد، به اساس این قول رسول صلی الله علیه وسلم:

«الإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.»

ترجمه: امام محافظ و مسوول زیر دستانش است.

بالای دولت فرض است، دولت در شریعت متعهد است تا نیازهای اساسی هر فردی از اتباعش را بر آورده سازد. در مورد موضوع بیکاری، وظیفه دولت در شریعت اینست تا برای همه کسانی که تابعیت اش را دارند کار تولید کند، مصداق آن قول رسول الله صلی الله علیه وسلم است:

«الْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.»

ترجمه: امام محافظ و مسوول زیردستانش است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم که خود رئیس دولت بود، نگهداری افراد فقیر و کسانی که اقارب شان توان نگهداری شان را ندارند، بر دولت لازمی ساخته است و فرموده اند:

«مَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ وَمَنْ تَرَكَ كَلًا فَلِإِنَانَا»

ترجمه: کسی که در میان مسلمین می میرد و مالی از خود به میراث می ماند، مالش به ورثه آن بر می گردد و اگر او یتیمانی از خود به جا می ماند، پس ما از آن ها مواظبت می کنیم.

به راستی پیامبر صلی الله علیه وسلم با توجه به ظرفیت اش منحیت رئیس دولت، مستقیماً امور کسانی را که قابلیت کار را داشتند، تنظیم می کرد و برای شان ایجاد کار می نمود:

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ يُسْأَلُهُ فَقَالَ: لَكَ فِي بَيْتِكَ شَيْءٌ؟ قَالَ: بَلَى، حِلْسٌ نَلْبَسُ بَعْضُهُ وَنَبْسُطُ بَعْضُهُ وَقَدْحٌ نَشْرَبُ فِيهِ الْمَاءَ. قَالَ: ائْتِنِي بِهِمَا. قَالَ: فَأَتَاهُ بِهِمَا، فَأَخَذَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ: مَنْ يَشْتَرِي هَذَيْنِ؟ فَقَالَ رَجُلٌ: أَنَا أَخَذُهُمَا بِدِرْهَمٍ، قَالَ: مَنْ يَزِيدُ عَلَيَّ دِرْهَمٍ؟ (مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا)، قَالَ رَجُلٌ: أَنَا أَخَذُهُمَا بِدِرْهَمَيْنِ، فَأَعْطَاهُمَا إِيَّاهُ وَأَخَذَ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطَاهُمَا الْأَنْصَارِيُّ وَقَالَ: اشْتَرِ بِأَحَدِهِمَا طَعَامًا فَأَنْبِذْهُ إِلَى أَهْلِكَ وَاشْتَرِ بِالْآخَرِ قَدُومًا فَأَتِنِي بِهِ، فَفَعَلَ، فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَشَدَّ فِيهِ عُدَاً بِيَدِهِ وَقَالَ: اذْهَبْ فَاحْتَطِبْ وَلَا أَرَاكَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا. فَجَعَلَ يَحْتَطِبُ وَيَبِيعُ، فَجَاءَ وَقَدْ أَصَابَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ فَقَالَ: اشْتَرِ بِبَعْضِهَا طَعَامًا وَيَبِيعُهَا نُوبًا ثُمَّ قَالَ: هَذَا خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَجِيءَ وَالْمَسْأَلَةُ نُكْتَةٌ فِي وَجْهِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِذِي فَقْرٍ مُدْفِعٍ أَوْ لِذِي غُرْمٍ مُفْطَعٍ أَوْ دِمٍّ مُوجِعٍ»

ترجمه: انس ابن مالک رضی الله عنه روایت می کند که مردی از انصار نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و از او چیزی خواست. پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: آیا هیچ چیزی در خانه نداری؟ مرد گفت: بلی، توتۀ از لباسی که قسمتی آن را می پوشیم و قسمتی دیگرش را به روی زمین هموار می کنیم و یک جام چوبی که در آن آب می نوشیم. پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: آن ها را برای من

بیاور. مرد وسایل را نزد او آورد و رسول الله صلی الله علیه وسلم آن ها را به دست خود گرفت و گفت: کی این ها را خواهد خرید؟
یک نفر گفت: من آن را به یک درهم می خرم. پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: دو و یا سه، کی بیشتر از یک درهم می پردازد؟
شخصی گفت: من آن را به دو درهم می خرم. او صلی الله علیه وسلم آن ها را به دو درهم فروخت و گفت: با یک درهم آن غذا
خریداری کن و به خانواده ات بده و با دیگری یک تبر خریداری کن و به پیش من بیاور. مرد آن را به نزد رسول صلی الله علیه وسلم
آورد. پیامبر صلی الله علیه وسلم با دستن خود دسته به آن نصب کرد و گفت: برو و چوب سوخت جمع آوری کن و به فروش برسان
و تا دو هفته آینده خود را به من نشان مده. مرد رفت چوب جمع کرد و به فروش رساند. وقتی ده درهم بدست آورد مقدار غذا و
رخت خرید. پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: این برای تو از گدایی بهتر است تا این که در روز قیامت مثل داغی در چهره ات
نمایان شود. گدایی تنها به سه گروه وقف شده است، کسی که با فقر شدید موجه است، کسی که شدیداً قرضدار باشد و کسی که
باید غرامت سختی را بپردازد.

از مجموعه احادیث، فقها حکمی را چنین استنباط کردند که تولید شغل برای افراد بیکار بالای دولت واجب بوده و در شریعت
اسلامی یکی از وظایف اساسی آن به حساب می رود.

واقعیت نظامی که در سودان تطبیق می شود، محض مالیاتی بوده و سر و کاری با خدمات ندارد. این مالیات نامشروع و راهکارهای
ناکارا، کارخانه های بزرگ زراعتی را متوقف ساخته و بیشتر از سه صد فابریکه را تنها در پایتخت مسدود کرده است. بناً این کار
باعث شده که مردم این مملکت دچار فقر و بیکاری شوند. نه تنها این؛ بلکه دولت تبعید شده ها را با شلاق زیر نام ارگان تبعید شده
ها که بزرگ ترین ضرر آن جمع آوری پول حرام است، تعقیب می کند که فقر و بیکاری نتیجه تطبیق همین برنامه ها است.

تنها نظامی که قانون شرعی را مراعات کرده، از امور مردم مواظبت و مشکل بیکاری را حل می کند، همانا خلافت راشده بر منهج
نبوت است که تمامی مسلمانان باید برای آوردن آن در زنده گی کار کنند تا مردم در تحت قوانین مالک جهانیان، لذت ببرند.

ابراهیم عثمان ابوخلیل

سخنگوی رسمی حزب التحریر-ولایه سودان

شماره مسلسل: HTS ۵۷/۱۴۳۸

۲۹ سوال ۱۴۳۸هـ.ق

۲۳ جولای ۲۰۱۷م